

تبیین مؤلفه‌های طراحی مرکز نگهداری کودکان بی‌سرپرست در راستای بهبود شرایط تربیتی

زهراالسادات اردستانی^۱، الهام پرویزی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۴

پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۲/۱۰

چکیده

پدیده کودکان بی‌پرست، و ناهنجاری‌های وابسته به آن، معضلی است، که جوامع معاصر با آن رو به رو هستند. فضای مناسب اسکان این کودکان با توجه به مقولات تأثیر فضا در روان و رشد کودک، می‌تواند در کاهش و جبران بخشی از معضلات ناشی از بی‌سرپرستی و بدسرپرستی این کودکان مؤثر باشد. در این پژوهش ضرورت دیده شد، تا مؤلفه‌های طراحی فضاهای مختص کودکان بی‌سرپرست، در راستای بهبود شرایط تربیتی کودکان مورد بررسی قرار گیرد. پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی، از نظر داده‌ها، کیفی، و از نظر ماهیت مطالعه، داده بنیاد می‌باشد. گردآوری داده در ابتدا کتابخانه‌ای، و سپس مطالعات میدانی در قالب مصاحبه عمیق با فعالان در حوزه کودکان بی‌سرپرست، همچنین گردآوری و تحلیل نقاشی و انشای کودکان بی‌سرپرست از طریق مشاکت در فضا توسط پژوهشگران انجام گرفته‌است. در این مقاله بر اساس رویکرد پیازه کودکان بی‌سرپرست در سن بین ۷-۱۱ سال در دو مرکز نگهداری امید و صبح رویش در شهر ری در سال ۱۳۹۹ به طریق نمونه‌گیری انتخابی در پژوهش‌های کیفی انجام، و نقاشی و انشا با موضوعات ادراک فضای زیست آنها تا زمان اشباع اطلاعات، دریافت شده‌است. اطلاعات به شیوه تحلیل محتوا و نحوه کدگذاری باز بررسی، و پس از تبیین نیاز روانی کودکان، مصاحبه‌ای با صاحب‌نظران طراحی فضا، جهت ارائه شاخص‌های معماری مراکز نگهداری کودکان بی‌سرپرست در چهار مقوله کالبد، معنا، تجهیزات و برنامه در فضای نگهداری این رده سنی به عنوان اولویت‌های طراحی معماری تبیین گردیده‌است. نتیجه حاصل نشان می‌دهد که نیاز به اجتماعی شدن کودکان، و شناخت دنیای پیرامونی و طراحی برای آینده می‌تواند از اولویت‌های مورد انتظار فضای مجموعه باشد.

کلیدواژه‌ها: بد سرپرستی، مرکز نگهداری، شرایط تربیتی.

۱ استادیار، گروه شهرسازی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

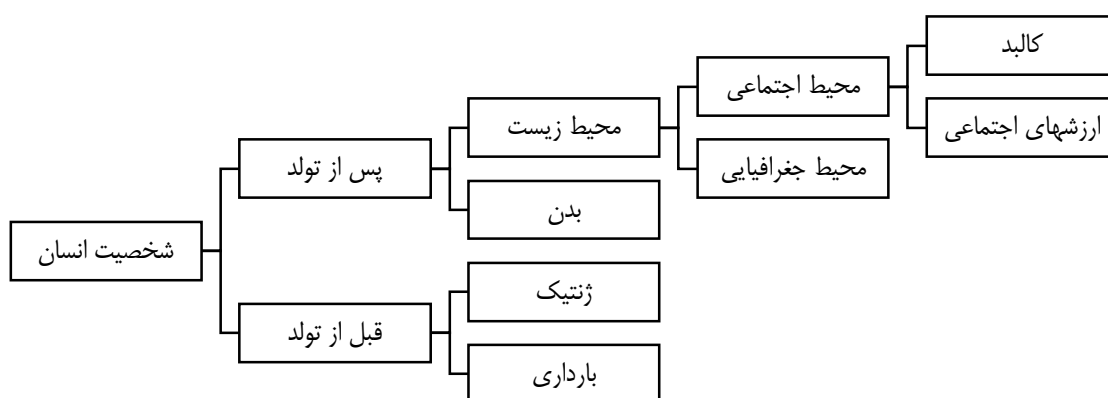
۲ استادیار، گروه معماری، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) ardestani@khu.ac.ir

مقدمه

تحقیقات نشان می‌دهد که کودکان خانواده‌های بد سرپرست، و بی‌سرپرست نسبت به کودکان عادی افسرده‌تر مضطرب‌تر و پرخاشگرتر هستند (عابدین، حیدری؛ ۱۴۰۰: ۱۴۱). پریشانی عاطفی و عدم عزت نفس از مشکلات عمده روان‌شناختی کودکان بی‌سرپرست است (محمدآل سعید و همکاران^۱، ۲۰۲۲). آنها، بخشی یا همه اوقات خود را در خیابان‌ها سپری می‌کنند. و عمدتاً از طریق تکدی، بزهکاری، شغل‌های کاذب فصلی و ... امرار معاش می‌کنند. و فرایند رشد را که به طور طبیعی خانواده در طی مراقبت، تغذیه، آموزش و بازی با کودکان طی می‌شود بدست نمی‌آورند، در نتیجه اصول اخلاقی حاکم بر جامعه و روابط موجود در آن، از سوی این کودکان مردود شناخته شده و اکثراً نیز سرشار از کینه و حس انتقام جویی از جامعه هستند و تمایل به رفتارهای مجرمانه، خود تخریب‌گرایانه همچون مصرف مواد، بی‌بند و باریها، و نظایر آن دارند. کودکان خیابانی با واقعیت تلخ جدایی از خانواده مواجهه هستند؛ که از نظر بهداشت روانی یکی از بزرگترین مشکلات این کودکان است. آنها، با فقر شدید، گرسنگی و تغذیه نامناسب، مشکلات بهداشتی، بیماری، تاخیرهای تحولی، مشکلات روانشناختی و عدم آموزش و تحصیل مواجه‌اند و گاهی با خطرهایی رو به رو شده‌اند که اثر مخربی بر سلامتی آنها داشته‌است. بدسرپرستی و خیابانی بودن تنها یک مسئله کوچک فردی نبوده بلکه یک مسئله بزرگ اجتماعی است واز آنجایی کودکان هم بخشی از سازندگان سرزمین هستند، سلامت، آموزش و رشد آنها از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. لذا عدم آموزش و رشد مناسب آنها بیش از آنکه مشکل فردی باشد، مشکلی اجتماعی است (میرزایی و علایی، ۱۳۹۴). در واقع اواسط دوره کودکی، دوران شکل‌گیری و تغییر حرمت خود است. بسیار مهم است که حرمت به خود در طول این دوره رشدی درک شود و از کاهش آن پیشگیری به عمل آید و موجبات ارتقای آن فراهم شود (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۲۰).

عوامل مختلفی می‌تواند در کاهش معضلات این قشر از جامعه موثر باشد که یکی از این موارد فضای اسکان آنها است که در نقش خانه و محل آموزش می‌باشد. از آنجایی که ویژگی‌های فضا در ایجاد شخصیت انسان نقش بسیاری دارد. بنابراین لازم است روانشناسی کودک و شیوه رشد او که تفاوت‌هایی با بزرگسالان را در بردارد. در طراحی فضاهایی که متعلق به سکونت و بازی کودکان بی‌سرپرست است؛ در نظر گرفته شود (آزموده ۲۶: ۱۳۹۱). این امر در تربیت صحیح این کودکان که از فضای تربیتی خانواده محروم هستند بسیار موثر خواهد بود.

تربیت یک عامل عمده آگاهانه و دارای هدف است که برای رشد، دگرگون کردن، ساختن و شکوفایی استعدادهای مادرزادی انجام می‌شود (مطهری ۱۳۸۳: ۳۳). رشد فکری و جسمی و شخصیتی باگذشت زمان به وقوع می‌پیوندد و اثر خود را بعد از گذشت زمان نشان می‌دهد. همه انسانها این دوران را سپری کرده و به نوعی رشد را تجربه کرده‌اند (جعفری، ۱۳۹۶). عوامل محیطی نیز علاوه بر سایر موارد مانند پدر مادر، امکانات و محیط، بر رشد کودک تاثیر می‌گذارند نیز شیوه رشد و تربیتی کودکان را تحت تاثیر قرار می‌دهد. دیدن، شنیدن و یا بوییدن و یا به عبارت دیگر برقراری ارتباط با دنیای پیرامون همه می‌تواند بر تاثیر عوامل محیطی بیفزاید (بیات، ۱۳۹۵) (نمودار ۲). منظور از محیط و فضا تنها یک محدوده هندسی نیست بلکه منظور، فضایی فعال و تاثیرگذار است؛ که در شکل‌گیری شخصیت فرد شرکت می‌کند و خلوت و امنیت و آزادی او را تضمین و محافظت می‌کند. این فضا بر حسب سن فرد یا اعمال او کوچک و بزرگ می‌شود و فرد در این فضا به راحتی خود را می‌یابد (اسمارت، ۱۳۶۴). از دیدگاه آلپورت شرایط محیطی مساعد و تجربه‌های محیطی به دست آمده در دوران کودکی همراه هم اهمیت بسزایی در پرورش شخصیتی سالم در بزرگسالی دارد (مظفر و همکاران، ۱۳۸۶).



نمودار ۱. معرفی عوامل سازنده شخصیت کودک قبل و بعد از تولد (لطف عطا، ۱۳۸۹)

ژان پیاژه نظریه پرداز سوئیسی بر پژوهش درباره رشد کودک تأثیر بسیاری داشته است. پیاژه باور نداشت که یادگیری کودکان به تقویت کننده‌ها، مانند پادشاهای بزرگسالان وابسته است. طبق نظریه شناختی - رشدی او، کودک با جستجو کردن در محیط خود، آگاهی کسب می‌کنند (هرمزانی، پاکدل، ۱۴۰۰: ۵۹). در نظریه پیاژه، هنگامی که مغز رشد می‌کند و تجربیات کودکان به مراتب بیشتر می‌شود، و چهار مرحله را پشت سر می‌گذارند. در مرحله ی حسی - حرکتی، رشد کودک از حواس او و حرکات برای جستجو کردن در محیط آغاز می‌شود. این الگوها در مرحله پیش

عملیاتی، به صورت تفکر نمادی اما غیرمنطقی در کودک ظهور می‌یابند. در مرحله بعدی، شناخت کودک به استدلال سازمان یافته‌تر تبدیل می‌شود. سرانجام در مرحله عملیات انتزاعی، تفکر به استدلال پیچیده نوجوان و بزرگسال تبدیل می‌شود (رشوندی، ۱۳۹۸).

سن هفت تا یازده سالگی در نظریه پیاژه سن اعمال غیر انتزاعی و ملموس است. کودک مهارت‌های حسی-حرکتی خود را همچنان ادامه می‌دهد اما مرحله بعدی یعنی اندیشه پیش از عمل با یک تغییر بزرگ مشخص می‌شود. ذهن کودک به سطح نمادها که در برگیرنده تصاویر واژه‌ها است، پیش می‌رود. در اوایل این دوره کودک می‌تواند در ذهنش مفهومی را حفظ و نگهداری کند و اشیا را بر حسب صفات آن مثل شکل یا اندازه یا رنگ طبقه بندی کند. در این دوره بازی‌هایی که ماهیت جمعی دارند شکل می‌گیرد. احساس وظیفه و حس عدالت به وجود می‌آید. مهمترین ویژگی فعالیت‌های کودک در ارتباط با محیط زندگیش شکل می‌گیرد در این مرحله کودک در صدد کشف محیط اطراف از طریق بازی است (پیاژه^۱، ۱۹۴۷).

جدول ۱. ویژگی‌های کودک در سن ۷-۱۱ سالگی از دیدگاه پیاژه (پیاژه، ۱۹۴۷).

دوره سنی	ویژگی‌های کودک	توانایی اصلی	مراحل رشد شناختی	مراحل رشد نقاشی
۷-۸ سال	کودک به نگره داشتن توده وزن حجم و عدد پی می‌رسد	سخت کوشی در برابر حقارت	فردگرایی و مبادله در این مرحله نقطه نظرات فردی و قضاوت بچه‌ها بر پایه چگونگی برآورده ساختن نیازهای فردی قرار دارد.	بیان تصاویر با نمادها اطاعت قوانین و عدم تقلیل پیدا می‌کند چیزی را می‌کشد که عملاً مریبی است. شکل انسانها بیشتر حالت حقیقی دارد متناسب است رنگ‌ها را طبق قانون انتخاب می‌کند. چپ و راست تصویر را تشخیص می‌دهد.
۸-۱۰ سال	کودک به نگره داشتن توده وزن حجم و عدد پی می‌رسد	سخت کوشی در برابر حقارت	فردی و قضاوت بچه‌ها بر پایه چگونگی برآورده ساختن نیازهای فردی قرار دارد.	تقلیل پیدا می‌کند چیزی را می‌کشد که عملاً مریبی است. شکل انسانها بیشتر حالت حقیقی دارد متناسب است رنگ‌ها را طبق قانون انتخاب می‌کند. چپ و راست تصویر را تشخیص می‌دهد.
۱۰-۱۱ سال	کودک به نگره داشتن توده وزن حجم و عدد پی می‌رسد	سخت کوشی در برابر حقارت	فردی و قضاوت بچه‌ها بر پایه چگونگی برآورده ساختن نیازهای فردی قرار دارد.	تقلیل پیدا می‌کند چیزی را می‌کشد که عملاً مریبی است. شکل انسانها بیشتر حالت حقیقی دارد متناسب است رنگ‌ها را طبق قانون انتخاب می‌کند. چپ و راست تصویر را تشخیص می‌دهد.

حفظ مرتبه اجتماعی: در این مرحله از رشد اخلاقی انسان‌ها در هنگام قضاوت کردن جامعه را به‌طور کلی در نظر می‌گیرند.

پژوهش‌های متعددی به شیوه‌های طراحی فضاهای نگهداری کودکان بی سرپرست و بدسرپرست از زوایای مختلف پرداخته‌اند. در پژوهش‌های پیشین به عوامل مختلف محیطی جهت مطلوبیت فضا برای کودکان اشاره دارد از جمله اینکه ایجاد فضای سبز، نوع چیدمان وسایل و مبلمان داخلی اتاقهای بستری، رنگ و توجه به چشمانداز بیرونی امری مهم به شمار می‌رود (بلوری و البرزی، ۱۳۹۷). اما در طول یک مسیر نقاطی اهمیت بیشتری برای کودکان دارند. توجه بیشتر کودک در طول یک مسیر به ابتدا و انتهای آن مسیر می‌باشد (ویمر و همکاران، ۲۰۱۶). گرچه انسانها به طور کلی تمایل زیادی به ارتباط با طبیعت در محیط‌های ساخته‌شده دارند. اما این تمایل در کودکان بیشتر است بیشترین عناصر در تصویر ذهنی کودک از محیط به ترتیب عبارتند از: گونه‌های گیاهی و جانوری خانه‌ها خورشید ابر و انسان (گانیدی، ۲۰۱۲).

سه مقوله کلیدی به ترتیب بر شکل‌گیری دلبستگی کودکان بی سرپرست به خانه شان می‌باشد؛ که عبارتند از: قابلیت‌های فعالیتی مکان، تعاملات اجتماعی و ویژگیها فیزیکی مکان است (رشیدی شریف، ۱۳۹۴). ضرورت به کارگیری اصول روانشناسی محیط در طراحی داخلی و خارجی خانه کودک با توجه به رنگ، فرم و فضا و تغییرپذیری و تداخل فضاهای باز و بسته و بازسازی عناصر محرک طبیعی مانند نور، آب و رنگ به عنوان عامل موثر در بهبود رفتارشان را اجتناب ناپذیر می‌کند (دوشنه، ۱۳۹۵).

طراحی فضای اقامتی برای کودکان بی سرپرست و بد سرپرست که در آن احساس آسایش و امنیت وجود داشته باشد نه تنها موجب پیشرفت قابل توجه این کودکان در تعاملات اجتماعی و تحصیلی شده، بلکه این کودکان را که ناخواسته تبدیل به عضوی با پتانسیل‌های بالا برای قانون‌شکنی، آزار و اذیت قرار گرفته‌اند را به عضوی مفید برای جامعه تبدیل می‌کند (آستانه، ۱۳۹۹).

در پژوهش‌های انجام شده تا به اکنون گرچه به عوامل مختلف محیطی پرداخته‌اند، اما کمتر به صورت جامع به تمام ویژگی‌های کالبد، معنا، تجهیزات و برنامه می‌پردازد. و بیشتر به عوامل کالبدی اشاره داشته‌اند. از طرفی در این پژوهش سعی بر آن است، تا راهبردهای طراحی فضاهای اسکان کودکان بی سرپرست از زوایای کالبدی و معنایی و برنامه در راستای بهبود تربیت کودکان بی سرپرست، در قالب شیوه تحقیق داده بنیاد و جمع آوری داده‌های میدانی و مصاحبه‌ها در راستای بهبود شرایط تربیتی این کودکان تبیین می‌شود.

روش

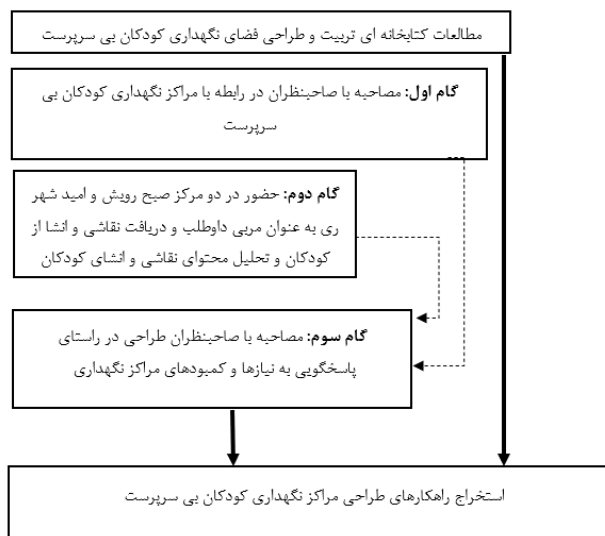
روش تحقیق به کار رفته در این پژوهش به لحاظ هدف، کاربردی، به لحاظ شیوه پژوهش در گروه کیفی و شیوه تئوری داده‌بنیاد است. نمونه‌گیری به صورت هدفمند و طبق نظریه پیازده از گروه سنی بین ۷-۱۱ سال بوده است. نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی و کمی تفاوت بسیار دارد، زیرا هدف آن به جای تعمیم یافته‌ها کسب درک عمیق از پدیده مورد بررسی است. انتخاب مشارکت‌کنندگان در پژوهش کیفی با هدف دستیابی اطلاعات در مورد پدیده مورد بررسی انجام می‌شود. در پژوهش کمی تاکید بسیار زیادی بر انتخاب تصادفی (شانس برابر برای انتخاب همه اعضای جامعه پژوهش) وجود دارد، اما در پژوهش کیفی نمونه پژوهش یا مشارکت‌کنندگان، انتخاب یا دعوت می‌شوند (رنجبر و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۳۸). که در این پژوهش نیز افراد در گروه سنی ذکر شده و مربیان و فعالان در این زمینه، دعوت به همکاری شدند. برای اعتبار درونی تاییدپذیری در پژوهش کیفی شامل ثبت تمام کارهای انجام شده در فرایند پژوهش از ابتدا تا انتها می‌باشد (باروش و همکاران^۱، ۲۰۱۱).

در این پژوهش برای گردآوری اطلاعات ابتدا مطالعات کتابخانه‌ای نظریات مطرح در حوزه طراحی فضاهای مناسب کودکان بی‌سرپرست گردآوری شده، سپس در گام اول اطلاعات میدانی، با فعالان با تجربه در زمینه کودکان بی‌سرپرست مصاحبه عمیق صورت گرفته تا کمبودهایی که در این فضاها در راستای تربیت کودکان وجود داشته‌اند و پیشنهادات آنها استخراج گردد. در گام دوم نقاشی‌هایی با موضوعات «خانه مورد علاقه من» و انشای «مشکلات خانه من» و «چه چیزهایی من را خوشحال می‌کند» دریافت شد. بررسی این نقاشی‌ها و انشاهای تا جایی پیش رفت تا اشباع دریافت داده اتفاق بیفتد. در گام سوم نگاه کودکان نسبت به محیط از طریق کدگذاری باز و محوری مقوله‌بندی شد و در اختیار متخصصین طراحی جهت ارائه راهکارهای طراحی قرار گرفت.

مواد و روش‌ها:

الف) گام اول مصاحبه با فعالان کودک

جدول ۲- پاسخ به سوال " به نظر شما مرکز نگهداری کودکان چه ویژگی‌هایی داشته باشد که بتواند به جذب و آموزش و پرورش این کودکان کمک کند؟"



نمودار ۲. چارچوب نظری تحقیق. ماخذ: نگارندگان

جدول ۲. مصاحبه با فعالان ارتباط با کودک. ماخذ نگارندگان

حضور مادرخوانده در این مراکز الزامی است. فضاهایی برای مهارت افزایی و اشتغال در این مراکز برای این سن برنامه ریزی فضایی برای اوقات فراغت در این سن	مصاحبه با آقای دکتر اقلیما (عضو هیئت علمی دانشکده بهزیستی و توانبخشی کشور)
-فضا باید احساس خانه بدهد نه زندان تفکیک جنسیتی تفکیک سنی فضاهای عمومی مختلط فضا نظم را به بچه ها القا کند و آزادی بیش از حد هم مناسب نیست فضاهای دنج برای حس خلوت کودکان فضاهایی برای مشارکت جمعی وسایل و فضاهای تفریحی ویژگیهای فضا باید دوستانه و در عین حال مقتدرانه باشد فضا می تواند در اختیار آموزش غیر مستقیم کودکان باشد	مصاحبه با دو تن از فعالان و حامیان کودکان بی سرپرست

ب) گام دوم بررسی نقاشی و انشای کودکان خیابانی

برای برقراری ارتباط موثر با کودکان، شناخت هیجانات، نیازها، مشکلات و خواسته‌های آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد. نقاشی به منزله فرافکنی ناهشیار، از آغاز قرن، با هدف شناخت شخصیت و حل مشکلات روانی کودکان به کار گرفته شده‌است. چه این روش امکان نزدیکتر شدن به کودک و پاسخگویی به سوالاتی که، وی توانایی بیان آن‌ها را ندارد، فراهم می‌سازد (دادستان ۱۳۹۴:۷). از آنجایی که نقاشی نیز مثل خواب و رؤیا به کودک امکان می‌دهد تا اطلاعات و اعمالی را که از دنیای بیرون کسب می‌کند از هم جدا سازد و سپس آن‌ها را دوباره تنظیم کند. در نقاشی، همانند خواب

و رؤیا، کودک خود را از ممنوعیت‌ها رها می‌سازد و با ما- در حالتی ناخود آگاهانه- درباره مسائل، کشفیات، و دلهره هایش صحبت می‌کند(فراری، ۱۳۸۵: ۱۰).

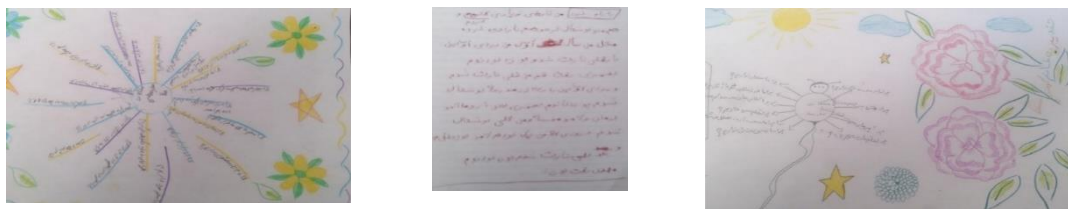


شکل ۱. نمونه ای نقاشی‌ها که توسط کودکان بی‌سرپرست خانه امید شهری ترسیم شده است. ماخذ: نگارندگان

ابتدا عناصر پر تکرار موجود در مدارک جمع آوری شده، سپس اطلاعات به شکل سیستماتیک و منطقی سازمان‌دهی شدند و برخی از اطلاعات با اهمیت بیشتر برجسته شدند. نقاشی‌های کودکان با بهره‌مندی از نظرات ۳ نفر از کارشناسان روان‌شناسی کودک که تجربه مناسبی در زمینه تحلیل نقاشی کودک داشتند مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. و بر اساس طرح و جزییات کشیده شده و نیز استفاده از رنگ‌های متفاوت و انواع خطوط استفاده شده در آنان، ویژگیهای مشترک مورد بررسی قرار گرفت و چهار مقوله کالبد معماری، معنای فضا، برنامه فضایی، تجهیزات شناسایی و دسته‌بندی شدند.

جدول ۳. معانی استخراج شده از نقاشی کودکان بر اساس تحلیل کارشناسان. ماخذ نگارندگان

شماره	کدهای اولیه استخراجی نقاشی‌ها	دسته بندی مولفه های فضا بر اساس کدهای استخراج شده
۱	اهمیت عناصر و پدیده‌های موجود در طبیعت	کالبد فضایی-معنا
۲	وحشت از گم شدن در برابر فضاهای بزرگ و درخواست امنیت	برنامه فضا-کالبد
۳	تنوع ترسیم خطوط، جلوه گر عاطف مختلف	معنا-کالبد
۴	حضور خانه به عنوان مکان امن در نقاشی کودک	کالبد-برنامه
۵	قرارگیری کوچه در امتداد خانه	کالبد
۶	نماد شکل دایره ای خورشید،بیانگر قدرت و صمیمیت	کالبد-معنا
۷	ترسیم ماشین،بیانگر تمایل به اجتماعی شدن	برنامه فضا
۸	وجود الگو در نقاشیها برای کسب هویت	معنا
۹	نمایش خانه بدون پنجره و حزن آور در نقاشی کودکان دارای احساس ناخودآگاه افسردگی و شرمساری	معنا

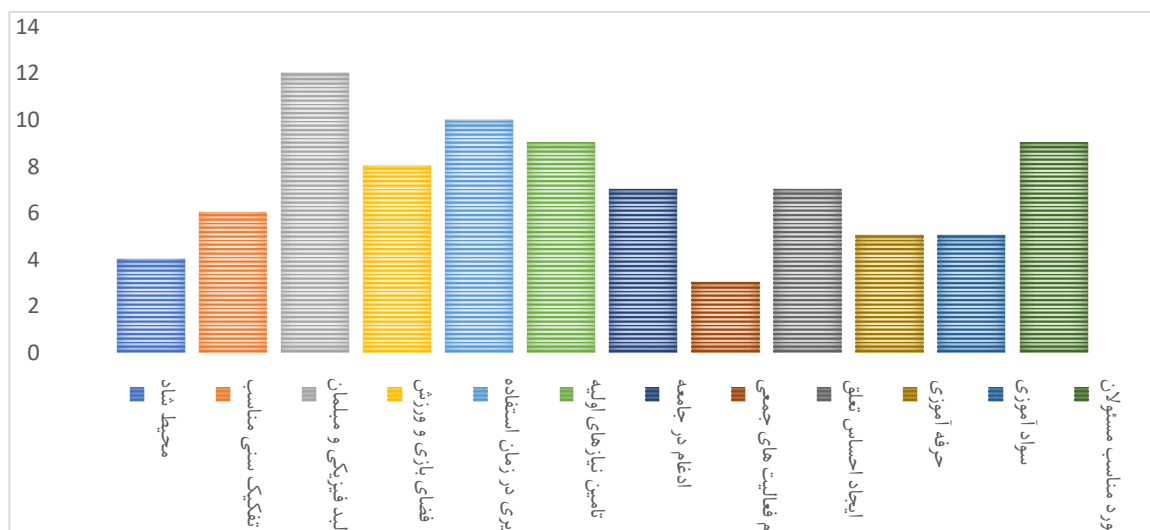


شکل ۲. نمونه ای از انشای اخذ شده از کودکان. ماخذ نگارندگان

با بررسی و تحلیل محتوای نتایج حاصل از این انشاهای کدهای استخراجی و فراوانی هر کدام از آنها در جدول زیر نشان داده شده است:

جدول ۴. کدهای استخراجی و فراوانی آنها از انشای کودکان کار با موضوع مشکلات محل زندگی من منبع: نگارندگان

شماره	کدهای اولیه استخراجی	تعداد تکرار	درصد تکرار	دسته بندی مولفه های فضا بر اساس کدهای استخراج شده
۱	محیط شاد	۴	۲۶٪	کالبد فضایی-معنا-تجهیزات
۲	تفکیک سنی مناسب	۶	۴۰٪	برنامه فضا
۳	کالبد فیزیکی و مبلمان مناسب	۱۲	۸۰٪	تجهیزات فضا
۴	فضای بازی و ورزش	۸	۵۳٪	برنامه فضا-تجهیزات فضا
۵	انعطاف پذیری در زمان استفاده و انتخاب فعالیت‌های مرکز	۱۰	۶۶٪	برنامه فضا
۶	تامین نیازهای اولیه (خوراک و پوشاک و ...)	۹	۶۰٪	
۷	ادغام در جامعه	۷	۴۶٪	برنامه فضا
۸	انجام فعالیت های جمعی	۳	۲۰٪	برنامه فضا
۹	ایجاد احساس تعلق	۷	۴۶٪	معنای فضا
۱۰	حرفه آموزشی	۵	۳۳٪	
۱۱	سواد آموزشی	۵	۳۳٪	
۱۲	بخورد مناسب مسئولان	۹	۶۰٪	



نمودار ۳. کدهای استخراجی و فراوانی آنها از انشای کودکان کار با موضوع مشکلات محل زندگی من منبع: نگارندگان

جدول ۵. کدهای استخراجی و فراوانی آنها از انشای کودکان کار با موضوع چه چیزهایی شما را خوشحال می‌کند. منبع: نگارندگان.

شماره	کلمات استخراجی	تعداد تکرار	درصد تکرار	مولفه های استخراجی فضا
۱	آموزش و یادگیری	۱۳	٪۸۷	برنامه فضا
۲	کار گروهی و تعاملات اجتماعی	۱۱	٪۷۳	برنامه فضا
۳	موفقیت و خودشکوفایی	۱۲	٪۸۰	برنامه فضا
۴	بازی و ورزش	۱۱	٪۷۳	برنامه فضا
۵	حضور در طبیعت	۷	٪۴۶	برنامه فضا
۶	حفظ ارتباط با خانواده	۸	٪۵۳	برنامه فضا
۷	محیط شاد	۷	٪۴۶	معنا و کالبد و تجهیزات



نمودار ۴. کدهای استخراجی و فراوانی آنها از انشای کودکان کار با موضوع چه چیزهایی شما را خوشحال می‌کند. منبع: نگارندگان

یافته‌ها

همانطور که در جدول ۳ دیده می‌شود، در کدهای استخراجی از نقاشی‌ها امنیت، ارتباط با طبیعت، و حس تعلق به محیط (جایگزین محیط خانه) و ایجاد صمیمیت فضایی، و ایجاد هویت اجتماعی توسط فضا و حمایت عاطفی از اولویت‌های مفاهیم استخراج شده‌اند.

در جدول ۴ عوامل مورد اهمیت در مورد فضا شامل تجهیزات و مبلمانی است که کودکان از فضا انتظار دارند. که می‌تواند نشان از نیاز به آسایش جسمی و روانی به وسیله فضا باشد (۸۰ درصد). مطالعات پیشین نیز نشان داده‌اند

استفاده از وسایلی که کودک طراحی یا ساخته است (مبلمان خانگی) اعتماد به نفس کودک و دلبستگی مکانی را افزایش می‌دهد (اعتمادی و مستغنی، ۱۳۹۴). و از اولویتهای دوم در این جدول ایجاد حق انتخاب فعالیت توسط فضا است. نشان از آن دارد که کودکان فضاهای انعطاف‌پذیر را نیاز دارند (۶۶ درصد) تا بتوانند فعالیتهای دلخواه خود را داشته باشند و فضا الزامات فعالیت‌ها را به آنها تحمیل نکند. در مطالعات پیشین نیز مشخص شده است که جهت دستیابی به محیط‌های ساخته شده دوستار کودک بهترین روش این است که کودکان در ساخت و برنامه‌ریزی مشارکت داده شود (پرسی اسمیت و توماس^۱، ۲۰۱۰). این امر در طولانی مدت موجب بالا بردن آگاهی‌های اجتماعی و توسعه مشارکت واقعی و خلاقانه در جامعه (کامل نیا ۱۳۸۷: ۷۸). کاهش هزینه‌های حفاظتی خواهد شد زیرا کودکان به آنچه حس تعلق دارند، اهمیت بیشتری می‌دهند (دریکسل، ۱۳۸۷: ۳۰).

فضاهایی که نیاز به بازی ورزش و تحرک آنها را رفع سازد (۵۳ درصد) در مطالعات پیشین نیز مشخص شده است سازمان‌دهی فضاهای باز خصوصی و عمومی برای تحرک باعث ارتقای تعامل اجتماعی می‌شود. خاطره سازی و توجه به حریم خصوصی کودک منجر به دلبستگی مکانی می‌شود. علاوه بر این افزایش تعاملات اجتماعی کودکان با فعالیتهای اجتماعی در محیطی با تنوع فضای مطلوب در رفع ناهنجاری‌های کودکان و افزایش دلبستگی آنها موثر است (اعتمادی و مستغنی، ۱۳۹۴). در این راستا نیاز بعدی در ارتباط با اجتماع (۴۶ درصد) و سایر اعضای مرکز نیز لازم است برنامه‌ریزی شود. در جدول ۵ نیاز به فضاهایی که از شکوفایی و آموزش این کودکان که شاید جبرانی برای کمبودهای آنها است به شدت مورد توجه آنها قرار می‌گیرد. (۸۷ درصد و ۸۰ درصد). در مطالعات گذشته نیز عنوان شده است؛ طراحی کارگاه‌هایی جهت پرورش استعداد های هر کودک و همچنین تجربه هر فضا به تنهایی و افزایش هیجان در کودک باعث افزایش دلبستگی به مکان می‌شود (اعتمادی و مستغنی، ۱۳۹۴). حمایت از تحرک (۷۳ درصد) و فعالیتهای اجتماعی (۷۳ درصد) نیز از اولویتهای دوم این جدول است. فضاهایی که بتوانند با افراد دیگر خانواده خود در فضای مرکز و یا خارج از آن ارتباط داشته باشند از اولویت های سوم است (۵۳ درصد). ایجاد محیطی شاد و ارتباط با طبیعت نیز از دیگر اولویتهای آنها است.

پس از مشخص شدن نیاز های کودکان و کدگذاری آنها در مصاحبه با صاحب‌نظران و اساتید حوزه طراحی راهکارهایی جهت طراحی این مراکز بر اساس روانشناسی رشد کودکان استخراج گردید:

جدول ۶. راهکارهای استخراج شده بر اساس اخذ نظرات اساتید طراحی. ماخذ: نگارندگان.

مؤلفه‌ها	کدهای استخراجی	مفاهیم	راهکار معماری
توانمندی فضا	<ul style="list-style-type: none"> کارگروهی و تعاملات اجتماعی - بازی و ورزش - حضور در طبیعت - حفظ ارتباط با خانواده - تفکیک سنی مناسب - فضای بازی و ورزش - انعطاف پذیری در زمان استفاده و انتخاب فعالیت‌های مرکز - ادغام در جامعه - انجام فعالیت‌های جمعی - ترسیم ماشین، بیانگر تمایل به اجتماعی شدن 	<ul style="list-style-type: none"> محرمیت و سلسله مراتب پایداری فضا انعطاف پذیری فضا امنیت فضا مشارکت در فضا اجتماعی بودن فضا فضاهای آموزشی مناسب فضاهای استعدادیابی مناسب 	<ul style="list-style-type: none"> طراحی مرکز براساس سیستم باز طراحی فضاهای باز کنترل شده که حس محبوس بودن را کاهش می دهد و جریان حرکتی را در خود تسهیل می کند. در نظر گرفتن فضاهای نمایشگاهی برای حضور والدین کودکان در مرکز در نظر گرفتن فضایی برای ملاقات با خانواده طراحی فضاهای انعطاف پذیر و متنوع (فضاهایی که قادر باشند چندین عملکرد را در خود جای داده و امکان تغییر در عملکرد را داشته باشند) طراحی کتابخانه به صورت باز و در خدمت کودکان محله و مرکز تفکیک مناسب فضاهای درسی و خوابگاهی کودکان برحسب سن رعایت سلسله مراتب محرمیت از فضاهای فردی - دوستانه-اجتماعی
تجهیزات	<ul style="list-style-type: none"> محیط شاد - مبلمان مناسب- فضای بازی و ورزش 	<ul style="list-style-type: none"> امکانات فضایی غنی بودن فضا غنی بودن تجربه فضایی آسایش فضایی سلامت فضا 	<ul style="list-style-type: none"> در نظر گرفتن وسایل متناسب با گروه سنی کودکان امکان ایجاد تغییر در مبلمان توسط کودک جهت ایجاد تعلق به فضا وجود درختان و گیاهان انبوه ایجاد فضاهایی با تجهیزات خصوصی برای کودکان در این سن تهویه مناسب فضایی تجهیزات بازی تجهیزات ورزشی تجهیزات علمی
معیار	<ul style="list-style-type: none"> محیط شاد -امنیت- ایجاد احساس تعلق - اهمیت عناصر و پدیده‌های موجود در طبیعت - وحشت از گم شدن در برابر فضاهای بزرگ- نماد شکل دایره ای خورشید، بیانگر قدرت و صمیمیت - وجود الگو در نقاشیها برای کسب هویت- نمایش خانه بدون پنجره و حزن آور در نقاشی کودکان دارای احساس ناخودآگاه افسردگی و شرمساری 	<ul style="list-style-type: none"> حس تعلق در فضا فضای شاد زیبایی فضا محافظت فضا ارتباطات در فضا امنیت شفافیت فضا صمیمیت فضا متناسب بودن فضا خوانایی فضا ارتباط با ناخودآگاه در فضا حس در خانه بودن آرامش فضا 	<ul style="list-style-type: none"> توجه به حدی از محصوریت در طراحی عدم استفاده از رنگ های تیره -طراحی غیر رسمی فضاها استفاده ی مناسب از نور رعایت تناسبات مناسب کودکان در طراحی دید مناسب به قسمت های مختلف و نظارت بر کودکان بسته و یا باز نبودن زیاد فضاها عدم وجود تغییر ارتفاع ناگهانی در مجموعه طراحی محیطی نظام مند و دوری از طراحی شلوغ فضا راهیابی راحت مسیرها توسط کودک در مجموعه برگزاری نمایشگاه آثار کودکان استفاده از نور طبیعی در فضاهای برای ایجاد فضایی شاد و دوستانه و افزایش تعامل و دقت عمل کودکان رعایت ابعاد و تناسبات کودکان در ساختمان طراحی فضاهایی برای آزادی عمل بیشتر کودکان به منظور انجام فعالیت های گوناگون ایجاد محیط‌هایی در مجموعه که به مخاطبان امکان پرداختن به سرگرمی‌ها و علائق شخصی‌شان را بدهد. ایجاد کارگاه های مهارت آموزی برای افزایش اعتماد به نفس خلق امکاناتی برای استفاده ی مشترک بین کودکان و جامعه امکان استفاده مشترک از برخی از خدمات مرکز بین کودکان کار و دیگر کودکان تزیینات یادآور طبیعت در فضا

کالبد	محیط شاد - اهمیت عناصر و پدیده‌های موجود در طبیعت - تنوع ترسیم خطوط، جلوه گر عاطف مختلف - حضور خانه به عنوان مکان امن در نقاشی کودک - قرارگیری کوچه در امتداد خانه - نماد شکل دایره‌ای خورشید، بیانگر قدرت و صمیمیت	ایجاد آسایش فضایی رعایت اقلیم نور مناسب کودکان در فضا فرم و کالبد آشنا فرم و کالبد متنوع	استفاده از مصالح غیر لغزنده در کف طراحی حیاطهای مرکزی فضاهای روباز عمومی رعایت پایداری و اقلیم در فضا حداکثر استفاده از مصالح طبیعی در فضا تنوع فضا در گسترش و دنج بودن در عمومی و خصوصی بودن طراحی به صورت غیر رسمی برای ایجاد حس صمیمیت ایجاد محیط های خاطره انگیز نورگیری مناسب بازشوها با دیدهای مناسب حداکثر شباهت به خانه ساختمان باید حالت صمیمی و دعوت کنندگی داشته باشد. محیط باید احساس درخانه بودن را القا کند. فضاهای عمومی و مشترک که فضاهای تجمع را شکل می دهند باید نوعی حس عضویت در فرد ایجاد کنند. از بین بردن یکنواختی اتاق های مشابه در مرکز و ایجاد محیطی متنوع که به کودک امکان شخصی سازی اتاق خود را میدهد. ایجاد چشم انداز برای فضاهای مختلف. در نظر گرفتن فضاهای اقامتی بر اساس تفکیک جنسی استفاده از فرم مناسب و ساده برای بنا ایجاد تنوع با استفاده از رنگهای هماهنگ و مناسب هرفضا توجه به نما برای تقویت تصورات و افزایش حس اعتماد و تعلق در کودک استفاده از مصالح مناسب در فضاها مانند چمن و یا تاتمی در محل های بازی استقرار وسایل مناسب با توجه به گروه سنی و وضعیت روحی آنها استفاده از مبلمان با مقیاس مناسب و رنگهای شاد طراحی انعطاف پذیر مبلمان برای تغییر چیدمان آنها حریم های حرکتی و رفتاری در فضا برای کودکان مشخص شود
-------	---	--	---

بحث و نتیجه گیری

مراکز نگهداری کودکان بی سرپرست اغلب امکان تحرک کمتر، توجه فردی کمتر و فرصت های کمتر از نیاز برای رشد عاطفی و اجتماعی مطلوب را برای کودکان فراهم می آورد (یونیسف، ۲۰۱۱). تحقیقات انجام شده پیشین در زمینه نوع طراحی معماری این فضاها به عوامل مختلف فضاهای نگهداری کودکان بی سرپرست پرداخته اند. این پژوهش با نگاه ویژه به تأثیر فضای نگهداری کودک در تربیت و رشد کودک می پردازد. این امر از آنجا اهمیت می یابد که در رده سنی ۷-۱۱ سال که ارتباط کودک با محیط پیرامونی بر پایه منطق بیشتری صورت می گیرد می تواند به عنوان مشارکت کننده در راهنمایی صحیح فضای مطلوب نگهداری کودک بی سرپرست به عنوان جامعه هدف در نظر گرفته شود. در این دوره رشدی اندیشه تجسمی نوظهور به تدریج به سوی اندیشه منطقی و مفهومی پیش می رود (توماس، ۱۳۹۴: ۹۱-۹۴).

همانطور که طی تحقیق بیان شد، عوامل مختلفی در شکل‌دهی به شخصیت و شیوه تربیتی هر انسان مؤثر است. فضایی که انسان در آن رشد می‌یابد، به خصوص خانه‌ای که دوران کودکی هر انسان در آن شکل می‌گیرد نیز به طور گسترده‌ای در این امر نقش دارد. خانه تنها دربرگیرنده احساسات و تجربیات انسان نیست بلکه ادراک او و ساختار ذهنی انسان را نیز تشکیل می‌دهد. معانی مختلفی که از فضا درک می‌شود برای اولین بار در خانه شکل می‌گیرد مانند شرایط مناسب و استانداردهای مناسب سلامت احساسی و فیزیکی، روابط اجتماعی دوستانه و مراقبتی، کنترل و حفظ حریم خصوصی، و به سادگی محل زندگی یا خواب (استربری و واتسون^۱، ۱۹۸۶). با توجه به مشکلات کودکان بی‌سرپرست در عدم وجود فضای خانه و والدینی که عهده دار تربیت مورد نیاز دوران کودکی هستند و نیاز به رفع کمبودهایی که در مقایسه با جامعه و سایر کودکان وجود دارد. مراکز نگهداری از این کودکان نیاز به فضاهایی با طراحی ویژه و خاص دارند؛ تا برخی از کمبودها و نیازهای این کودکان را از طریق طراحی صحیح جبران نمود.

در این مقاله با تکیه بر نظریات ژان پیاژه که بخش اعظم رشد ذهنی کودک را بر اساس دریافتهای غیر مستقیم از محیط کالبدی و اجتماعی کودک می‌داند و با بررسی‌های انجام شده در رده سنی ۷-۱۱ سال که در این سن کودکان انتظارات جدی‌تر و سازنده‌تری از فضا دارند و می‌توانند در این سن درک صحیحی از واقعیت داشته باشند انجام شده است. نتیجه حاصل نشان می‌دهد که نیاز به اجتماعی شدن کودکان، و شناخت دنیای پیرامونی، و طراحی برای آینده می‌تواند از اولویتهای مورد انتظار فضای مجموعه باشد. کودکان به دنبال ایجاد هویتی مستقل و مقبول جامعه، فضایی را نیاز دارند که علاوه بر حمایت‌های عاطفی و ویژگی صمیمی بودن و حس تعلق، بتواند آنها را در رسیدن به استقلال و ایجاد قدرت برای روبرو شدن با اجتماع آماده کند. این ویژگی‌ها گرچه تماما از طریق فضا رفع نخواهد شد اما همانطور که عنوان شد فضای معماری نقش موثری در تامین آن دارد.

در نهایت، راهکارهای ارائه شده در چهار مولفه تجهیزات فضا، برنامه فضایی و کالبد و معنا دسته‌بندی و ارائه شده است که می‌تواند پیش روی طراحی مراکز کودکان بی‌سرپرست در رده سنی ۷-۱۱ سال قرار گیرد تا علاوه بر استانداردهای موجود، گامی در جهت ایجاد فضای مناسب این کودکان با بیشترین پتانسیل فضایی در راستای کمبود زمینه‌های تربیتی و رشد آنها باشد. پیشنهاد می‌شود جهت بهبود هر چه بهتر این مراکز، پژوهش حاضر در سایر دسته‌بندی‌های پیشنهادی از سمت پیاژه در رده‌های رشد کودک انجام پذیرد.

- Barraza, L. (1999). Children's drawings about the environmental education research, (1), 49-66.
- Barusch A, Gringeri C, George M. (2011). Rigor in qualitative social work research: A review of strategies used in published articles. *Social Work Research*; 35 (1): 11-9.
- Gunindi, Y. (2012). Environment in My Point of View: Analysis of the Perceptions of Environment of the Children Attending to Kindergarten through the Pictures They Draw *Social and Behavioral Science*, (55), 594- 603.
- Mattewes, M.H. (1980). The Mental Maps of Children: Images of Coventry's City Center. *Geography*, 65(3), 169-179.
- Mohamed El-Said, A., Ramadan Abd-Elfatah, S., Mahmoud Zak, M., Ahmed Mostafa, H. (2022). Psychological Problems among Orphan Children. *Journal of Nursing Science Benha University*, 3(1), 474-485.
- Percy-Smith, B., & Thomas, N. (2010). *A Handbook of Children and Young People's Participation: Perspectives from Theory and Practice*, London: Routledge.
- Piyajet, J. (1947a). The moral development of the adolescent in two types of society-primitive and modern. Paris: Lecture given to the United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization.
- UNICEF. (n.d.). (2011). United Nations Children's Fund, Hadlok Filipino children caught in the crossfire
- Watson, S., & Austerberry, H. (1986). Housing and Homelessness: A Feminist Perspective. *Social policy*, 16(2), 289-291.
- Wimmer, M., Maras, K., Robinson, E., & Thomas, C. (2016). The format of children's mental images: Evidence from mental scanning. *Cognition*, University of Bath, (154), 49-54.

Explain the design components of the orphanage in order to improve educational conditions

Zahrasadat Ardestani¹, Elham Parvizi²

Abstract

The phenomenon of orphaned children, and the anomalies associated with it, is a dilemma that contemporary societies face. Appropriate living space for these children, according to the categories of the effect of space on the psyche and development of the child, can be effective in reducing and compensating for some of the problems caused by the neglect and abuse of these children. In this study, it was necessary to study the components of designing spaces for orphans in order to improve the educational conditions of children. The present study is applied in terms of purpose, qualitative in terms of data, and foundation data in terms of the nature of the study. Data collection was done first in the library, and then field studies in the form of in-depth interviews with activists in the field of orphans, as well as the collection and analysis of drawings and essays of orphans through meeting in space by researchers. In this article, based on Piaget's approach, homeless children between the ages of 7-11 years old in two care centers in Omid and Sobh Roish in Rey city in 1399 through selective sampling in qualitative research, and painting and writing with the subjects of their living space perception up to Information saturation time is received. Information through content analysis and re-coding, and after explaining the psychological needs of children, an interview with space design experts to provide architectural features of orphanages in four categories of body, meaning, equipment and program in the care of this age group to The title of architectural design priorities is explained. The result shows that the need for children to socialize, and to know the world around them and design for the future can be one of the expected priorities of the collection space.

Keywords: Bad parenting, Maintenance center, Educational conditions.

1 Assistant Professor, Department of Urban Planning, Kharazmi University, Tehran, Iran.

2 Assistant Professor, Department of Architecture, Kharazmi University, Tehran, Iran. (Corresponding author)
ardestani@khu.ac.ir